



واکاوی روابط غیر مستقیم مثلث توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی

سمیه سلیمانی^۱، سنجر سلاجقه^{۲*}، محمد جلال کمالی^۳، سمانه مهدیزاده^۴

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی / گرایش تطبیقی گرایش تطبیقی و توسعه، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Soleimani_somaye@yahoo.com
- ۲- دانشیار، گروه مدیریت دولتی / گرایش تطبیقی گرایش تطبیقی و توسعه، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Salajeghe_187@yahoo.com
- ۳- استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Mjalalkamali@yahoo.co.uk
- ۴- مربی، گروه مدیریت دولتی / گرایش تطبیقی گرایش تطبیقی و توسعه، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Mehdizadehs@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
هدف این تحقیق بررسی روابط غیر مستقیم متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی است. در این پژوهش، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شده است. به دلیل آن که این روش مبتنی بر نظرات خبرگان است؛ در فرایند انتخاب نمونه این مطالعه، از نظرات ۳۲ نفر از خبرگان و مدیران دانشگاهی در جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. برای مشخص نمودن معیارها و زیرمعیارهای موثر بر روابط بین متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی ابتدا یکسری معیارهای اولیه بر مبنای تحقیقات کتابخانه‌ای شناسایی و سپس از طریق مصاحبه با افراد خبره در این زمینه، نهایی گردیده است. این معیارها در ۱۰ معیار اصلی و ۳۲ زیرمعیار طبقه‌بندی گردیده است. در این مطالعه از ابزار پیشنهادی توسط آقای توماس ال ساعتی برای دآوری در AHP و برای ساخت درخت سلسله‌مراتبی از نرم افزار Super decision استفاده شده است. نتایج حاکی از این است که نقش‌های تعاون به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ظرفیت اجتماعی اثرگذار است. یافته‌ها نشان داد، عامل استعداد مشارکت‌پذیری در معیارهای ظرفیت اجتماعی، شاخص عوامل برونی در معیارهای نقش تعاون و معیار عدالت اجتماعی در معیار توسعه پایدار منطقه‌ای در رتبه نخست اثرگذاری قرار دارد. چنانچه، ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار منطقه‌ای ارتباط مثبت و معنادار دارد که این موضوع حاکی از ارتباط مثبت و معنادار بین ابعاد توسعه پایدار منطقه‌ای و تعاون است. از این رو، پیشنهاد می‌گردد؛ زمینه‌های ایجاد فرهنگ تعاون برای تسهیل فعالیت‌های تعاونی فراهم گردد. همچنین، زمینه برای پویایی و بازده مناسب تعاونی‌ها به منظور افزایش سرمایه از طریق رایزنی با اعضاء، اعتماد سازی مناسب بین اعضا و نهادینه سازی فعالیت‌های تعاونی انجام پذیرد.	تاریخچه مقاله دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۵ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۲ (مقاله پژوهشی)

کلمات کلیدی: توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون، ظرفیت اجتماعی.

مقدمه

امروزه تعاونی‌ها در جهان نقش بسیار مهمی را در فرایندهای اقتصادی بر عهده دارند و تقریباً در جایگاه جایگزین برای اقتصاد مبتنی بر بازار سرمایه‌داری محسوب می‌شوند. این جایگزینی از دو جهت قابل بررسی است: نخست آنکه در هنگام اصطلاحاً شکست بازار و عدم توانایی بخش خصوصی در تامین نیازها، یکی از روش‌های مقابله‌ای قابل کاربرد، ورود به تعاونی‌هاست و دوم آنکه مستقیماً در رقابت با بخش خصوصی در ایجاد شرایط مساعد اجتماعی-اقتصادی و حذف یا کاهش بیماری‌های اجتماعی از قبیل بیکاری، فقر، عقب‌ماندگی و غیره می‌باشد. در واقع، تعاونی‌ها چنان توانمندی در هر دو وجه از خود نشان داده‌اند که امروزه از طرف برخی اندیشمندان به عنوان یک اقتصاد مستقل که توانایی تامین نیازهای بشری و عدالت را به طور همزمان دارد، تلقی می‌گردند. (Ali Akbari, 2018: 240)

تعاونی‌ها به عنوان هسته اقتصاد سالم و عادلانه و در برگیرنده توده اجتماعی کار، زمینه‌های بهبود شرایط اجتماعی را فراهم می‌آورند و پاسخگوی بسیاری از مشکلات اقتصادی-اجتماعی هستند. (sarmast, 2019: 127) کشورها با برنامه‌های آموزشی متنوع سعی در ارتقای فرهنگ تعاون به عنوان یک ضرورت اجتماعی-اقتصادی در مسیر توسعه پایدار جوامع دارند. این ایده که سرمایه‌های انسانی از طریق همکاری‌های ارادی افراد تولید و تغذیه می‌شوند؛ به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. در واقع، روابط تعاونی، که روحیه همکاری، همدلی، مسئولیت‌پذیری و هماهنگی را برای رسیدن به اهداف مشترک مبتنی بر نفع و فایده را گسترش می‌دهد، نقش مهمی را در ارتقای سرمایه‌های انسانی جامعه دارد.

به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد؛ در دنیای امروز، تعاونی‌ها یک ابزار قوی و مؤثر در جهت مشارکت آحاد مردم در فرآیند توسعه و توزیع عادلانه منافع حاصله از آن در بین تمامی اقشار جامعه می‌باشند. از سویی دیگر، یکی از مشکلات عمده، که در حل مشکلات جامعه نقش کلیدی دارد؛ عدم پویایی یا فقدان الگوهای پایدار بومی و منطقه‌ای است؛ که موجبات استیصال عظیم در چرخه اقتصادی را ایجاد کرده است. در واقع، تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاست‌های دولت در بهبود شرایط کار، زندگی، تولید، ارتقاء سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد. بر همین اساس است که سازمان‌های بین‌المللی مطمئن‌ترین و مناسب‌ترین روش فقرزدایی و توسعه‌ی جوامع مختلف را در توسعه و ترویج نهضت معرفی کرده‌اند (Iman Dost weaver, 2017: 63). چنانچه، یکی از دغدغه‌های اصلی کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بحث اشتغال و عدالت اجتماعی بوده است؛ که تا به امروز هم ادامه دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مصوبات مهم شورای انقلاب، تصویب طرح اشتغال سریع دیپلمه‌ها و فارغ‌التحصیلان بیکار به منظور اشتغال سریع بیکاران و دیگر سطوح نیروی انسانی بوده است. اگر چه طرح مورد نظر در اجرا با مشکلاتی مواجه شد؛ لیکن عزم شورای انقلاب را برای بهبود وضع اشتغال نمایان ساخت. روش اجرای این طرح، انجام طرح‌های عمرانی، کشاورزی و صنعتی توسط شرکت‌های تعاونی در مناطق روستایی و محروم کشور بود (Iman Dost weaver, 2017: 99).

به عبارت دیگر، ایجاد تعاونی‌ها، عدالت و توزیع سهام عدالت بین اقشار کم درآمد جامعه، از اهداف اصلی دولت است. اجرای این طرح‌ها اگر چه با ابهاماتی از سوی اقتصاددانان روبرو شده است، لیکن اهمیت تعاونی‌ها را در امر عدالت اجتماعی مشخص می‌نماید (shirvani, 2016)

در ایران بخش تعاونی در کنار بخش دولتی و خصوصی مجاز به فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. به طوری که، در سال‌های اخیر این بخش، به خصوص در زمینه‌ی فعالیت‌های خدماتی از گسترش قابل توجهی برخوردار بوده است. اما در عین حال سهم آن از کل اشتغال نه تنها افزایش نداشته بلکه با کاهش مواجه بوده است. بدین معنا که، بخش‌های دیگر اقتصادی توفیق بیشتری در ایجاد شغل داشته‌اند. لذا، ضرورت این موضوع با یادآوری این امر مذاقه دارد که توسعه پایدار منطقه‌ای با کارآفرینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های تعاون، راهی برای نوسازی و بازآفرینی تعاونی‌ها به شمار می‌رود. (ali akbari, 2019: 242) از این رو، توجه و باور به اصول ارزش‌های حاکم بر گفتمان تعاون و ترویج آن، باعث رونق کارآفرینی می‌شود و ابزاری برای توسعه و بهبود کسب و کارهای اجتماعی و اشتغال‌زایی برای اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه و در نهایت توسعه پایدار قلمداد می‌گردد. که این امر نیز توسعه گفتمان کارآفرینی اجتماعی و نیز خلق ثروت مبتنی بر خلق ارزش را در سطح جامعه به همراه دارد. بنابراین، این مطالعه به دنبال ارائه چگونگی این مفهوم عمیق و بنیادین است که در شرایط کنونی این ظرفیت به چه صورت در حوزه‌های مختلف جامعه وجود دارد؛ تا بتوان به کمک آن بر برخی از مشکلات اقتصادی در حوزه‌های مختلف فائق شد؛ و نیز چه روابطی به صورت غیر مستقیم بر مثلث توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی وجود دارد؟

مبانی نظری

امروزه توسعه‌ی منطقه‌ای با بحران‌های متعددی روبرو است. در این راستا، دستیابی به اهدافی مانند رفاه نسل‌های آینده در ابعاد اشتغال، روند اجتماعی، کیفیت زندگی و احترام به طبیعت و... به میزان رشد منطقه در حال حاضر بستگی دارد. از این رو شکی در مورد اهمیت یکپارچگی ستون‌های توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای وجود ندارد. در واقع، ادغام ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای به اجرای اقدامات تکمیلی و هماهنگ در مناطق مختلف اشاره دارد که منجر به رشد اقتصادی از طریق دستیابی به اهداف اجتماعی بدون توجه به کمیابی منابع می‌شود. حال آن که، یکپارچگی موثر این سه بعد مستلزم اجرای مجموعه‌ای از اقدامات متمرکز و خاص است؛ که تعریف متناسب با یک چارچوب توسعه پایدار فراگیر دارد (munasingh, 2022) افزون بر این، یک سیستم طبقه‌بندی خوب برای ویژگی‌های پایداری ارائه می‌دهد؛ که موضوعاتی مانند تأثیرات اجتماعی و سیاسی را که اغلب از لحاظ فرایندهای طراحی سنتی حذف شده‌اند را در برمی‌گیرد. همچنین، متغیرهایی مانند زمان، هزینه و کیفیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین، پایداری منطقه فرایندی است که برای بهبود کیفیت زندگی انسان پیشنهاد شده است. به طوری که، شامل راهکارهایی برای بهبود رفاه انسان است که منجر به تحقیر محیط زیست و تأثیر منفی بر سلامتی افراد دیگر نمی‌گردد.

پایداری همچنین اصطلاحی سیاسی است و در یک موقعیت تاریخی مشخص در پاسخ به مشکلات خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربرد سیاسی آن عمدتاً متشکل از تازگی و انعطاف‌پذیری، در توانایی خود برای جمع‌آوری آرا و تغییر ادراکات و ارزش‌ها در همان زمان است (Thierstein & Walser, 2021). در واقع، امروزه، مفهوم پایداری قطبی برای رویکردهای مختلف سیاست‌گذاری، فرایندهای توسعه و راهبردهای برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای استفاده می‌شود.

شایان ذکر است که، ویژگی‌های مهم مرتبط با پایداری عبارتند از: اول، پایداری که نیازمند آگاهی از روابط متقابل مشکلات اجتماعی، اکولوژیکی و اقتصادی است. دوم، همه مفاهیم پایداری براساس نیازهای متفاوت در منطقه است و بنابراین نیاز به دانش زیادی از نحوه برخورد با علایق گوناگون وجود دارد. به عنوان سومین ویژگی، اجرای مفاهیم پایداری در سطح منطقه‌ای باید نیازهای محلی را با توجه به تقاضا برای همکاری ایجاد شده بر روی مشکلات در سطح ملی اعمال کند (Streimikiene, 2014). بنابراین هرچند، توسعه پایدار در

مقوله توسعه اقتصادی با فرض وجود منابع طبیعی خاص در منطقه شناخته می‌شود. اما باید به این نکته دقت کرد که، توسعه اقتصادی باید در سطحی باشد که از ظرفیت زیست محیطی منطقه فراتر نرود (Jasinskas, 2016).

به عبارتی، دو رویکرد برای توسعه پایدار در منطقه وجود دارد: رویکرد محصول محور و رویکرد فرآیند محور. رویکرد اول ارزشی است که منطقه برای کاربران فراهم می‌کند، درحالی‌که، رویکرد دوم بر فرآیندهای بنیادی که در منطقه اتفاق می‌افتد، تمرکز دارد. به عبارت دیگر، مساله اصلی چگونگی دستیابی به اهداف وسیع‌تر، استفاده از فرآیندها و منابع موجود است. چنانچه در عمل، دستیابی به این اهداف با پشتیبانی فرآیندهای موجود همیشه امکان پذیر نیست. درواقع، ترکیب موثر این دو رویکرد چالش بزرگی برای نهادهای حاکم بر منطقه است. حال آن‌که، فراتر از متغیرهای منطقه، فرآیندهای تصمیم‌گیری در مدیریت نوسانات این منطقه مستلزم گنجاندن محیط خارجی است (Kondratiuk-Nierodzinska, 2016). حال این عوامل خارجی اغلب تاثیر مستقیمی بر تدوین استراتژی منطقه‌ای دارد. در واقع، مقامات محلی و منطقه‌ای وظیفه حفظ تعادل بین دو نیروی پیشروی در منطقه را دارند. به طوری‌که، بیشینه‌سازی درآمد برای منطقه، جامعه و کسب‌وکار منطقه‌ای، و استفاده موثر از منابع موجود مطابق با اصول توسعه پایدار و کاهش تاثیر اثرات جانبی منفی بر عملکرد منطقه، پایداری در منطقه از طریق ادغام و نظم اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی-نهادی و اخلاقی تحقق می‌یابد و یکپارچگی در منطقه از طریق استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه اجرا می‌شود. از این‌رو، برنامه‌های توسعه بعد عملیاتی استراتژی توسعه منطقه‌ای هستند (Stimson, 2006).

در باب تعاون از سوی صاحب‌نظران در دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف علوم اجتماعی تعاریف متعددی بیان شده است که در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: تعاون به معنی همکاری به منظور تأمین سعادت با منافع متقابل است. در تعریفی دیگر، تعاون واکنش متقابل کار و زندگی است؛ که به خاطر یک هدف و یک علت که همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد، انجام می‌شود. تعاون را اغلب مترادف با همیاری معرفی شده است؛ به طوری‌که منظور از همیاری، یاری دادن به همدیگر و توفیق موفقیت با دیگران است. همان‌طور که از تعاریف فوق نتیجه گرفته می‌شود؛ اصل و اساس تعاونی‌ها بر همکاری، مشارکت اجتماعی، نفع عمومی، ارجعیت جمعی، نیازها و اهداف مشترک و اعتماد و روابط اجتماعی متقابل است که جملگی از عناصر و نتایج سرمایه اجتماعی می‌باشند (Ahmadi and Moini, 2015).

از سویی، ظرفیت به توانایی انجام دادن اهداف و واسطی برای تبدیل ظرفیت به توانایی داده‌ها به کارایی شناخته شده است (Brown, 2003). در این تعریف توانایی به عنوان استطاعت قبل و قابلیت ارتقای مجموعه به هم پیوسته‌ای از هر کنش و پیامدهای آن تعریف شده است. بنابراین، ظرفیت، قابلیت استفاده از توانایی برای حصول به اهداف است. چنانچه، ظرفیت‌سازی فراتر از آموزش فردی است و دارای محدوده بسیار گسترده‌ای است که از فرد تا چارچوب‌های سازمانی گسترش می‌یابد. بنابراین، ساختار ظرفیت‌سازی را می‌توان فرایندی از بالا به پایین در نظر گرفت؛ که از حوزه‌های اصلی، مانند توسعه منابع انسانی، توسعه سازمانی، توسعه چارچوب‌های قانونی و سازمانی تشکیل می‌شود. به طوری‌که، توانایی‌های مورد اهمیت در این زمینه، شامل مهارت‌ها و استعدادها عمومی، استعدادها مشارکت‌پذیری، به کارگیری کنش‌گران دیگر برای حل مشکلات محلی و بهره‌برداری از قابلیت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی است.

پیشینه پژوهش

در جدول (۱) خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در این زمینه جمع‌آوری شده است.

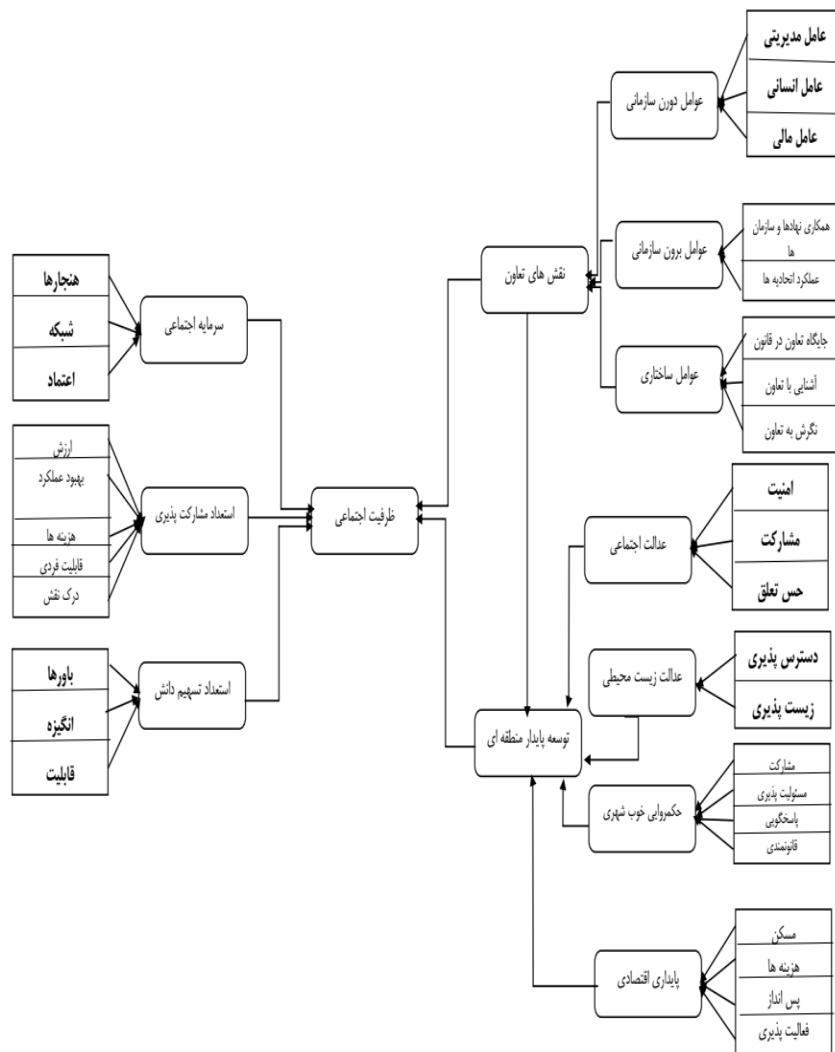
جدول ۱- خلاصه مطالعات صورت گرفته

نام نویسنده و سال	عنوان	نتیجه
بارگاهی (۱۳۹۵)	تحلیلی بر پایداری شهرهای جدید	نقش برخی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی از جمله احساس تعلق در رابطه با پایداری شهر جدید عالی شهر مورد سنجش قرار گرفت و نتیجه آن، ارتباط مستقیم و مثبت این مؤلفه ها، بر توسعه پایدار شهری است؛ به گونه‌ای که با افزایش بار مثبت تاثیرگذاری مؤلفه های سرمایه اجتماعی، به همان میزان، توسعه پایدار شهری نیز افزایش می یابد و برعکس.
سالارورزی و همکاران (۱۳۹۷)	نقش سرمایه‌های اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای شهر ایلام	متغیرهای هنجارگرایی، مشارکت مدنی، انسجام اجتماعی، تاثیر معکوسی در توسعه پایدار شهر ایلام دارند و متغیر اعتماد اجتماعی در توسعه پایدار شهر ایلام تاثیرگذار نبوده است.
ربیعی سروندی و صمدی فروشانی (۱۳۹۷)	مطالعه و بررسی اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار	ارتباط مثبت و معنادار ابعاد سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار وجود دارد.
علی اکبری و دیگران (۱۳۹۸)	سنجش ظرفیت اجتماعی در پذیرش اصول رشد هوشمند در نواحی شهری (مطالعه موردی: کاشان)	ناحیه بازار بیشترین ظرفیت اجتماعی را در پذیرش رشد هوشمند داشته است. ظرفیت اجتماعی در پذیرش چهار اصل توسعه انتخاب‌ها و فرصت‌های مسکن، حفاظت از فضاهای باز و نواحی زیست محیطی، استفاده از تکنیک‌های طراحی نوآورانه و تشویق همکاری‌های جامعه و سهام‌داران تفاوت معناداری ندارد.
صفرعلی زاده و همکاران (۱۴۰۱)	بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان شهر اهواز)	میزان سرمایه اجتماعی و وضعیت توسعه پایدار شهری در بین مناطق شهر اهواز متفاوت است به طوری که بین سرمایه اجتماعی و وضعیت توسعه پایدار شهری در کلانشهر اهواز رابطه مثبت و معناداری است.
فلیاکو و دیگران (۲۰۱۴)	بررسی سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و عملکرد سازمانی	سرمایه انسانی بر سرمایه اجتماعی تاثیر گذار است و تجربه و توانایی‌های شناختی بر روابط کارکنان و همراهی آن‌ها تاثیر دارد.

روابط اجتماعی از چشم انداز مشترک و اعتماد مهم تر است. دانش و ارتباطات متخصصان کسب و کار در تشکیل سرمایه اجتماعی تیم تاثیر بیشتری داشته است.	بررسی افزایش سرمایه اجتماعی تیم به وسیله دانش و ارتباطات در پروژه‌های توسعه سیستم‌های اطلاعات	لی و دیگران (۲۰۱۵)
نتایج بررسی‌ها نشان داد که تعامل متقابل، مجموعه‌ای مشترک، از عوامل مهم از ابعاد مدیریت استراتژیک سازمانی است که می‌تواند اثرات مثبت فردی و سازمانی را با توجه به نقش سرمایه اجتماعی فراهم نماید.	بررسی مدیریت سرمایه اجتماعی و انسانی در سازمان‌ها به عنوان ابزاری استراتژیک برای توسعه فردی و سازمانی	آملیا و دیگران (۲۰۱۷)

ماخذ: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که مطالعه مشابهی پیرامون موضوع پژوهش یافت نشده است، انتظار می‌رود این پژوهش مورد استناد پژوهش‌های آتی قرار گیرد. چهارچوبی که در این مطالعه براساس ادبیات پژوهش به دست آمده به صورت شکل (۱) نمایش داده شده است. این چهارچوب براساس نظر خبرگان مورد سنجش قرار گرفت و سپس در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان مورد سنجش قرار گرفته است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

ماخذ: یافته‌های پژوهش

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شده است. این روش از جمله کاربردی‌ترین روش‌های تحقیق در عملیات در پژوهش‌های کیفی است که در تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره کاربرد دارد. روش تحلیل سلسله مراتبی برای فرد تصمیم‌گیرنده یا سیاست‌گذار این امکان را فراهم می‌کند، که با توجه به متغیرها و معیارهای مختلف، به بهترین نحو تصمیم‌گیری نماید. به طوری که در این روش امکان مدل‌سازی مسئله در قالب مدل‌های سلسله مراتبی وجود دارد و نیز این امکان اولویت‌بندی گزینه‌ها در معیارهای متعدد، حتی در تعارض با سایر معیارها وجود دارد.

اولین مرحله در فرایند تحلیل سلسله مراتبی، ایجاد یک نمایش گرافیکی از مسئله است که در آن هدف، معیارها و گزینه‌ها مشخص می‌شوند. مرحله دوم به سنجش گزینه‌ها پرداخته می‌شود. در فرایند تحلیل سلسله مراتبی عناصر، هر سطح نسبت به عنصر مربوطه خود، در سطح

بالتر به صورت زوجی مقایسه و وزن آن‌ها محاسبه می‌شود. این وزن‌ها را وزن نسبی می‌نامیم. سپس، با تلفیق وزن‌های نسبی، وزن نهایی هر گزینه مشخص می‌شود که آن را وزن مطلق می‌نامیم (ghodsipour, 2010). در مطالعاتی که بر اساس روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره انجام می‌شود، به دلیل آن‌که این روش‌ها مبتنی بر نظرات خبرگان است؛ به صوت مستقیم به سراغ خبرگان رفته و با توجه به این موضوع که تعداد خبرگان محدود است، به طور معمول با تعداد نظرات بالاتر از پنج نفر نتایج قابل قبولی حاصل می‌شود. در فرایند انتخاب نمونه این مطالعه، از نظرات ۳۲ نفر از خبرگان و مدیران دانشگاهی در جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های مبانی نظری و ادبیات تحقیق و پیشینه تحقیق از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع پژوهش (داخلی و خارجی) استفاده گردیده و برای مشخص نمودن معیارها و زیرمعیارهای موثر بر روابط بین متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی ابتدا یک سری معیارهای اولیه بر مبنای تحقیقات کتابخانه‌ای شناسایی و سپس از طریق مصاحبه با افراد خبره در این زمینه، نهایی گردیده است. این معیارها در ۱۰ معیار اصلی و ۳۲ زیرمعیار طبقه‌بندی گردیده است. سپس برای تعیین درجه اهمیت این معیارها با استفاده از روش سلسله مراتبی، پرسشنامه براساس معیارها طراحی گردیده است. براساس تجزیه و تحلیل این پرسشنامه و با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی، وزن معیارها و زیرمعیارهای موثر برای اولویت‌بندی بین متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی را تعیین شده است. و در نهایت با طراحی بخش دوم پرسشنامه، امتیاز هر کدام از معیارها با توجه به امتیاز شاخص‌ها مشخص و اولویت‌بندی شده است. در این مطالعه از ابزار پیشنهادی توسط آقای توماس ال ساعتی برای داوری در AHP و برای ساخت درخت سلسله‌مراتبی از نرم افزار Super decision استفاده شده است. پس از ایجاد درخت سلسله مراتبی قدم بعدی ارزیابی عناصر با استفاد از مقایسات زوجی است. تحلیل مقایسه زوجی کمک می‌کند تا اهمیت تعداد انتخاب‌های مرتبط با یکدیگر را تعیین کرد. این کار با انجام مقایسات دو به دو بین عناصر تصمیم و از طریق تخصیص امتیازات عددی که نشان دهنده ارجحیت یا اهمیت بین دو عنصر تصمیم است، صورت گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نقش‌های تعاونی از سه معیار عوامل درون سازمانی، عوامل برون سازمانی و عوامل ساختاری تشکیل شده است. به منظور سنجش رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است، که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲- سنجش رابطه ابعاد با نقش‌های تعاون

نقش‌های تعاون	عوامل درون سازمانی	عوامل برون سازمانی	عوامل ساختاری
نقش‌های تعاون	۱		
عوامل درون سازمانی	۰**/۸۲۵	۱	
عوامل برون سازمانی	**۰/۸۴۳	**۰/۶۰۷	۱
عوامل ساختاری	**۰/۸۷۵	**۰/۵۷۸	**۰/۵۶۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به سطح معناداری، روابط بین متغیرها مشاهده می‌شود تمامی روابط بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید قرار گرفته است. با توجه به شدت همبستگی بین متغیرها، می‌توان چنین بیان کرد که رابطه بین دو متغیر نقش‌های تعاون با عوامل ساختاری با شدت همبستگی ۰/۸۷۵ بیشترین میزان را نسبت به سایر روابط دارا بوده و رابطه بین دو متغیر عوامل ساختاری با عوامل برون سازمانی با شدت همبستگی ۰/۵۶۴ در جایگاه آخر قرار گرفته است. همچنین، توسعه پایدار منطقه‌ای از چهار معیار عدالت اجتماعی، عدالت زیست محیطی، حکمرانی خوب شهری و پایداری اقتصادی تشکیل شده است. نتایج در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج حاکی از این است که، تمامی روابط بین متغیرهای مذکور، در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید قرار گرفته است. چنانچه، با توجه به شدت همبستگی بین متغیرها، می‌توان چنین بیان کرد که همبستگی بین دو متغیر حکمرانی خوب شهری با توسعه پایدار منطقه‌ای با شدت همبستگی ۰/۹۱۲ بیشترین میزان را نسبت به سایر روابط دارا بوده و رابطه بین دو متغیر عدالت زیست محیطی با عدالت اجتماعی با شدت همبستگی ۰/۴۲ کمترین میزان وابستگی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳- سنجش رابطه ابعاد با توسعه پایدار منطقه‌ای

توسعه پایدار منطقه‌ای	عدالت اجتماعی	عدالت زیست محیطی	حکمرانی خوب شهری	پایداری اقتصادی
توسعه پایدار منطقه‌ای	۱			
عدالت اجتماعی	۰/۸۸۷***	۱		
عدالت زیست محیطی	۰/۶۶۴***	۰/۴۴۲***	۱	
حکمرانی خوب شهری	۰/۹۱۲***	۰/۷۳۷***	۰/۵۲۱***	۱
پایداری اقتصادی	۰/۸۴۶***	۰/۶۵۲***	۰/۴۷۴***	۰/۷۰۹***

ماخذ: یافته‌های پژوهش

ظرفیت اجتماعی از سه معیار سرمایه اجتماعی، استعداد مشارکت پذیری، استعداد تسهیم دانش تشکیل شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون معیارهای این متغیر در جدول (۴) ارائه شده است. نتایج بیانگر این است که، تمامی روابط بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید قرار گرفته است. به طوری که، شدت همبستگی بین دو متغیر استعداد مشارکت‌پذیری و ظرفیت اجتماعی با شدت همبستگی ۰/۹۶۲ بیشترین میزان را نسبت به سایر روابط دارا بوده و رابطه بین دو متغیر استعداد تسهیم دانش و سرمایه اجتماعی با شدت همبستگی ۰/۴۵۵ پایین‌ترین رتبه را در همبستگی بین معیارهای مورد بررسی به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- سنجش رابطه ابعاد با ظرفیت اجتماعی

ظرفیت اجتماعی	سرمایه اجتماعی	استعداد مشارکت پذیری	استعداد تسهیم دانش

			۱	ظرفیت اجتماعی
		۱	**۰/۸۲۸	سرمایه اجتماعی
	۱	**۰/۷۵۸	**۰/۹۶۲	استعداد مشارکت پذیری
۱	**۰/۶۸۵	**۰/۴۵۵	**۰/۸۰۸	استعداد تسهیم دانش

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در آزمون‌های آماری متغیرهای میانجی باید به دو سؤال پاسخ داده شود. الف) اثر غیرمستقیم X از طریق M بر Y چقدر است؟ و ب) آیا متغیر M (متغیر میانجی) نقش میانجی دارد؟ یا به عبارت دیگر آیا اثر غیرمستقیم X (متغیر مستقل) از طریق M بر Y (متغیر وابسته) معنادار است؟ جهت پاسخ به سؤال یعنی اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته می‌توان از روش سوبل (۱۹۸۲) استفاده کرد. در این روش مقدار اثر غیرمستقیم از طریق رابطه ۱ محاسبه می‌شود؛ که در این رابطه a اثر متغیر مستقل بر میانجی و b اثر متغیر میانجی بر وابسته است.

$$B_{indirect} = a \times b \quad (1)$$

برای محاسبه میزان اثر غیرمستقیم می‌توان با استفاده از آزمون‌هایی مانند سوبل^۱، بارون و کنی^۲ و گودمن^۳ معناداری اثر غیرمستقیم را نیز محاسبه کرد. شایان ذکر است که همه نرم افزارها معناداری اثرات مستقیم بین متغیرها را محاسبه کرده و در خروجی‌های خود ارائه می‌دهند؛ اما معناداری اثر غیر مستقیم را ارائه نمی‌دهند و بعضاً میزان اثر غیر مستقیم، بر اساس رابطه (۱) ارائه می‌دهند. بنابراین، معناداری اثر غیر مستقیم باید دستی حساب شده که در رابطه (۲) روش محاسبه آن بر اساس روش سوبل آورده شده است.

$$t - value = \frac{a * b}{\sqrt{b^2 * sa^2 + a^2 * sb^2}} \quad (2)$$

sa: میزان خطای استاندارد اثر مستقل بر میانجی

a: میزان اثر متغیر مستقل بر میانجی

sb: میزان خطای استاندارد اثر میانجی بر وابسته

b: میزان اثر میانجی بر وابسته

بر اساس نتایج بدست آمده، در بررسی اثر غیرمستقیم نقش‌های تعاون بر ظرفیت اجتماعی با میانجی‌گری توسعه پایدار منطقه‌ای، مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین دو متغیر نقش‌های تعاون و توسعه پایدار منطقه‌ای برابر ۰/۷۴۸ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم افزار = ۰/۱۹) و برای رابطه بین دو متغیر توسعه پایدار منطقه‌ای بر ظرفیت اجتماعی برابر ۰/۳۴۵ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های

1. Sobel test

2. Baron and Kenny

3. Goodman

نرم افزار = $0/0512$ گزارش شده است. بنابراین، میزان اثر غیر مستقیم نقش‌های تعاون بر ظرفیت اجتماعی از طریق توسعه پایدار منطقه‌ای برابر با $0/258$ است.

$$B_{indirect} = a \times b \rightarrow 0.748 * 0.345 = 0.258$$

حال با توجه به نتایج بدست آمده در ادامه معناداری اثر غیر مستقیم مورد بررسی قرار گرفته است. که با توجه به اینکه مقدار t -value خارج از بازه $\pm 1/96$ می‌باشد، می‌توان چنین استدلال کرد؛ که اثر غیر مستقیم نقش‌های تعاون بر ظرفیت اجتماعی از طریق توسعه پایدار منطقه‌ای معنادار است و این فرضه تأیید می‌شود. به عبارت دیگر نقش‌های تعاون از طریق افزایش توسعه پایدار منطقه‌ای می‌تواند سبب بهبود ظرفیت اجتماعی گردد. شایان ذکر است با توجه به تأیید شدن اثر مستقیم نقش‌های تعاون بر ظرفیت اجتماعی، می‌توان گفت نقش متغیر توسعه پایدار منطقه‌ای میانجی‌گری جزئی است. به این معنا که نقش‌های تعاون هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم (از طریق توسعه پایدار منطقه‌ای) بر ظرفیت اجتماعی اثرگذار است.

$$t - value = \frac{0.748 * 0.345}{\sqrt{0.748^2 * 0.019^2 + 0.345^2 * 0.0512^2}} \rightarrow t - value = 1.986$$

در مرحله بعد، هدف مدل اولویت‌بندی معیارهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی است. شاخص‌های هر حوزه به صورت کدینگ با نرم افزار Super decision تحلیل شده است. در شکل (۲) اوزان نسبی شاخص‌های ذیل معیارهای کیفی توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی مشخص شده است. همان‌طور که در شکل (۲) مشخص است، زیر معیار استعداد مشارکت‌پذیری بیشترین اهمیت به میزان $0/189$ را به خود اختصاص داده است. هر چند تصور پژوهشگران این است که، معیارهای دیگری نیز به صورت پیچیده مبانی اولویت بیشتری داشته باشد اما در نظر خبرگان کماکان کمبود زیر معیار استعداد مشارکت‌پذیری در معیار ظرفیت اجتماعی اولویت بیشتری دارد و کاملاً از سایر معیارها متمایز است. اولویت دوم و سوم به ترتیب به عوامل برونی و عوامل درونی در معیار نقش تعاون اختصاص دارد. نرخ ناسازگاری ماتریس مربوط به زیر معیارها، که ذیل هدف اصلی مدل قرار گرفته‌اند، $0/07$ است؛ که حاکی از سازگاری مطلوب نظرهای خبرگان است. طبق قواعد روش تحلیل سلسله مراتبی، نرخ ناسازگاری کمتر از $0/1$ پذیرفته است. شاخص عدالت اجتماعی بیشترین وزن و اهمیت را در معیارهای توسعه پایدار منطقه‌ای به خود اختصاص داده است. اولویت بالای این شاخص حاکی از ارزش زیاد آن در توسعه منطقه‌ای در استان کرمان از دیدگاه خبرگان است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی روابط غیرمستقیم متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی پرداخته شد. امروزه توسعه منطقه‌ای با بحران‌های متعددی روبرو است. به همین دلیل، دستیابی به اهدافی مانند رفاه نسل‌های آینده در ابعاد اشتغال، روند اجتماعی، کیفیت زندگی و احترام به طبیعت و... به میزان رشد منطقه در حال حاضر بستگی دارد. از این رو شکی در مورد اهمیت یکپارچگی ستون‌های توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای وجود ندارد. در واقع، ادغام ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای به اجرای اقدامات تکمیلی و هماهنگ در مناطق مختلف اشاره دارد که منجر به رشد اقتصادی از طریق دستیابی به اهداف اجتماعی بدون توجه به کمیابی منابع می‌شود. در این پژوهش معیارها در ۱۰ معیار اصلی و ۳۲ زیرمعیار معرفی شد و در نهایت زیرمعیارها رتبه‌بندی شدند. در این راستا در بحث سنجش روابط غیرمستقیم متغیرهای توسعه پایدار منطقه‌ای، تعاون و ظرفیت اجتماعی در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان، می‌توان

چنین بیان کرد که رابطه بین دو متغیر، نقش‌های تعاون با عوامل مورد بررسی، بیشترین میزان را نسبت به سایر روابط دارا بوده و رابطه بین دو متغیر عوامل ساختاری با عوامل برون سازمانی شدت همبستگی کمتری را به خود اختصاص داده است. در بررسی سنجش روابط متغیر توسعه پایدار منطقه‌ای در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان، نتایج نشان داد که بین دو متغیر حکمرانی خوب شهری با توسعه پایدار منطقه‌ای بیشترین همبستگی نسبت به سایر روابط وجود دارد و رابطه بین دو متغیر عدالت زیست محیطی با عدالت اجتماعی کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. در سنجش رابطه ابعاد با ظرفیت اجتماعی در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان، می‌توان چنین بیان کرد که رابطه بین دو متغیر استعداد مشارکت‌پذیری و ظرفیت اجتماعی بیشترین میزان همبستگی را نسبت به سایر روابط دارا بوده است. همچنین رابطه بین توسعه پایدار منطقه‌ای با ظرفیت اجتماعی در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان به صورت مستقیم و معنادار است. نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات کاظمیان و دیگران (۱۳۹۱)، ربیعی سروندی و صمدی فروشانی (۱۳۹۷) و فلیاکو و دیگران (۲۰۱۴) هم‌راستا بوده است. به طوری که، ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار محلی در ارتباط مثبت و معنی داری است و دلالت بر ارتباط مثبت و معنادار ابعاد سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار را داشته است. نتایج تحقیق نشان داد، سرمایه انسانی بر سرمایه اجتماعی تاثیر گذار است. یافته‌ها نشان داد که اولویت اول در معیارهای ظرفیت اجتماعی عامل استعداد مشارکت‌پذیری و در معیارهای نقش تعاون، شاخص عوامل برونی و در معیار توسعه پایدار منطقه‌ای، معیار عدالت اجتماعی است. نتایج حاکی از این است که نقش‌های تعاون به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ظرفیت اجتماعی اثرگذار است. و عامل استعداد مشارکت‌پذیری در معیارهای ظرفیت اجتماعی، شاخص عوامل برونی در معیارهای نقش تعاون و معیار عدالت اجتماعی در معیار توسعه پایدار منطقه‌ای در رتبه نخست اثرگذاری قرار دارد. چنانچه، ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار منطقه‌ای ارتباط مثبت و معنادار دارد که این موضوع حاکی از ارتباط مثبت و معنادار بین ابعاد توسعه پایدار منطقه‌ای و تعاون است.

از محدودیت‌های تحقیق می‌توان؛ به عدم تمایل به همکاری و یا به سختی راضی ساختن مدیران شرکت‌ها به همکاری با محقق، نگرانی برخی از پاسخ‌دهندگان از بیان نظرات خود در ارتباط با متغیرهای تحقیق به دلیل احتمال انعکاس نامناسب نظرات و یا ارائه نتایج نامطلوب اشاره کرد. که با توجه به انتقادهای فعلی راجع به برنامه‌های تحقیقات کشورهای توسعه یافته چنین انتقادهایی به تحقیقات دانشگاهی ایران وارد است.

پیشنهادات

- با توجه به ماهیت اقتصاد دولتی ایران در زمان حاضر لازم است اولویت‌های تحقیقاتی توسعه پایدار منطقه‌ای و تعاون برحسب نیازهای جدید از طریق وزارت علوم و اقتصاد و دارائی و هماهنگی با مدیران مالی شرکت‌ها و اساتید اعلام گردیده و از آن طریق به سازمان‌های تحقیقاتی و دانشگاه‌ها اعلام گردد. پیشنهاد می‌گردد؛ برای تسهیل فعالیت‌های تعاونی ضمن ایجاد فرهنگ تعاونی و نهادینه‌سازی فعالیت‌های تعاونی و افزایش سرمایه از طریق رایزنی با اعضاء و اعتمادسازی مناسب بین اعضا و مدیریت زمینه برای پویایی و بازده مناسب تعاونی‌ها فراهم شود.

- مدیران سازمان‌ها از نظام‌های انگیزشی در راستای ظرفیت اجتماعی به ویژه انگیزانندگان اقتصادی و در مرحله بعدی جهت تشویق کارمندان به مشارکت فعال در امور سازمانی استفاده نمایند. بنابراین، در تمام سطوح باید به عنوان یک فوریت، نسبت به توسعه پایدار منطقه، سیاست‌های آموزشی، فراهم گردد.

- شکل‌گیری برنامه‌های مشارکتی و تعاون، میان سازمان‌های شهری و شهروندان، زمینه‌ساز افزایش اعتماد و همبستگی درون گروهی خواهد شد. بنابراین استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های پنهان اجتماعی گروه تحقیق، ضمانتی است برای توسعه پایدار شهری.

-ایجاد ساختاری برای تعاون و ارتباط مستقیم شهروندان با سازمان‌های دولتی، مشارکت و نظرخواهی از شهروندان در خصوص برنامه ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی و شهری.

-جلب مشارکت همگانی در اداره و اجرای امور از طریق آموزش و تشویق مردم.

-اجرای تحقیقات مشارکتی با همکاری سازمان‌های مربوط به امور شهری و منطقه‌ای.

- بازسازی نهادهای اجتماعی بومی از طریق به کارگیری افراد بانفوذ محلی به عنوان حلقه اتصال مردم با سازمان‌های خدمات رسانی می‌تواند منجر به تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی و سرانجام نقش پذیری در توسعه پایدار شهری گردد.

Analysis of indirect relations of the triangle of sustainable regional development, cooperation and social capacity

Abstract

The purpose of this research is to investigate the indirect relationships of regional sustainable development variables, cooperation and social capacity. In this research, the Analytical Hierarchy (AHP) method has been used. Because this method is based on the opinions of experts; In the sample selection process of this study, the opinions of 32 experts and university administrators were used to analyze the information and complete the questionnaire. In order to determine the criteria and sub-criteria affecting the relationships between the variables of regional sustainable development, cooperation and social capacity, first a series of primary criteria have been identified based on library research and then finalized through interviews with experts in this field. These criteria are classified into 10 main criteria and 32 sub-criteria. In this study, the tool proposed by Mr. Thomas L. Saati was used for judging in AHP and for building hierarchical tree from Super decision software. The results indicate that the roles of cooperative directly and indirectly affect the social capacity. The findings showed that the participation ability factor in the social capacity criteria, the external factors index in the cooperation role criteria, and the social justice criterion in the regional sustainable development criteria are in the first place of effectiveness. If so, social capacity has a positive and meaningful relationship with regional sustainable development, which indicates a positive and meaningful relationship between the dimensions of regional sustainable development and cooperation. Therefore, it is suggested; The grounds for creating a cooperative culture to facilitate cooperative activities should be provided. Also, the conditions for the dynamism and proper efficiency of cooperatives in order to increase capital through consultation with members, proper trust building between members and institutionalization of cooperative activities should be done.

Keywords: Regional sustainable development, cooperation, social capacity.

منابع

Ahmadi, H. and Moini, M. (2014). Investigating the relationship between social skills and high-risk behaviors of young people: a case study of Shiraz city. Strategic researches on social issues of Iran (strategic researches on security and social order), (1) 4, 1-24.

- Ali Akbari, A; Shatirian, M. and Sheikhzadeh, F. (2018). Measuring social capacity in accepting the principles of smart growth in urban areas (case study: Kashan), *Urban Planning Geography Research*, (2) 7, 239-264.
- Amelia, M., Impedovo, M., Palma, P. D. (2017). Managing Social and Human Capital in Organizations: Communities of Practices as Strategic Tools for Individual and Organizational Development. *Journal of Workplace Learning*, 29 (3).
- Bargahi, R. (2016), an analysis on the sustainability of new cities, master's thesis, supervisor: Ali Akbar Najafi Kani, Golestan University, Isfahan.
- Brown, R. P. (2003). Measuring Individual Differences in the Tendency to Forgive: Construct Validity and Links with Depression, <https://doi.org/10.1177/0146167203029006008>.
- Felício, J. A., Couto, E., Caiado, J. (2014). Human capital, social capital and organizational performance. *Management Decision*, 52(2). DOI: 10.1108/MD-04-2013-0260.
- Jasinskas, E., Streimikiene, D., Svagzdiene, B., Simanavicius, A. (2016). Impact of hotel service quality on the loyalty of customers. *Economic research-Ekonomska istraživanja* 29 (1), 559-572
- Kazemian, G; Ghorbanzadeh, and Shafia, S. (2011). Achieving sustainable local development through the social capacity of residents and economic activists of the informal neighborhood, a case study: Shemiran-No neighborhood. *Urban Studies*, 4.
- Kondratiuk-Nierodzińska, M. (2016). New knowledge generation capabilities and economic performance of Polish regions. *Equilibrium. Quarterly Journal of Economics and Economic Policy* 11 (3), 451-471.
- Lee, J., Park, J. G., Lee. S. (2014). Raising team social capital with knowledge and communication in information systems development projects. *International Journal of Project Management*, 33(4). DOI:10.1016/j.ijproman.2014.12.001.
- Mostani, M. (1997). Cooperatives are the pioneers of participation and responsibility. *Cooperation and Agriculture*, (2) 72, 4-25.
- Munasinghe, M. (۲۰۲۰). *Sustainomics, Sustainable Development and Climate Change*. First Published December 1, 1999 Research Article, <https://doi.org/10.1260/0266351991494920>.
- Qudsipour, S. (2010). *Hierarchical Analysis Framework*, Amirkabir University of Technology Publications.
- Rabie Sarvandi, N. and Samadi Forushani, M. (2017), studying and investigating the effect of social capital components on sustainable development. The second national research and development conference in management and resistance economy.
- Rahimi Boroujerdi, A. (۲۰۰۵). Communication channels between growth and trade in some Iranian industries. *Economic research (sustainable growth and development)*, 5 (4), 51-70.

- Rahimi Boroujerdi, A. (۲۰۰۶). The relationship between economic growth and trade in the industrial sector (textiles and clothing). *Knowledge and Development*, 18(1), 179-195.
- Safar Alizadeh, A. (۲۰۲۲), investigation of social capital indicators and its relationship with sustainable urban development (case study: Ahvaz metropolis), *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 22 (66), 105-122.
- Salarvarzizadeh, M. Sheikhi, H. Shekhari, Z. (2017), analysis and evaluation of the role of social capital in sustainable neighborhood development (case study: Ilam city), *Physical Development Planning Quarterly*, 5(9): 123-136.
- Sarmast, Ali Akbar, (2019), Investigating the socio-economic capacities of cooperatives in establishing sustainable development, *Social Development and Welfare Planning Quarterly*, 8(4), 121-151.
- Shirvani, A. (۱۹۸۶). The art of the revolution, the sun of its souter. *Surah*, 6 and 5.
- Stimson, R. J., Roberts, B., Stough, R. (2006). Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy. *The New Urban Agenda needs to recognize a future of city-to city networks and trade*. 2, 978-3-540-34829-0.
- Streimikiene, D. (2014). Natural and built environments and quality of life in EU member states, *Journal of International Studies*, Vol. 7, No 3, 2014, pp. 9-19. DOI: 10.14254/2071-8330.2014/7-3/1
- Taib, M. (۲۰۰۹). Siri in psychological operations of Islam. *Psychological Operations Studies*, 22(25), 5-29.
- Thierstein, A., Walser, M. (۲۰۲۱). Sustainable regional development: interplay of top down and bottom-up approaches. *European Regional Science Association*.
- Weaver Iman Dost, p. (۲۰۰۸). The role of moral teachings supported by Islam in the process of economic development. Conference on Islamic Economy and Development, Mashhad, <https://civilica.com/doc/49963..>